

Historical Geography, Concepts, Approaches, and Applications with an Emphasis on the Context of Iranology

*Abbas Rahbari*¹*

1 -Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University, Iran

ABSTRACT

Keywords:

Historical geography, conceptualization, approaches, Iranology, methodological critique


1 .
Corresponding author
✉
a.rahbary@cfu.ac.ir

Background and Objectives: Historical geography, as an interdisciplinary field, studies the dynamics of human-environment interaction in the context of time. By combining the methods of geography and history, this field seeks to reconstruct past natural-cultural landscapes, analyze spatial-temporal developments, and explain cause-and-effect relationships between geographical factors and historical events. The main goal of this research is to provide a comprehensive analysis of the concept, approaches, methods, and applications of historical geography with an emphasis on the field of Iranology. **Methods:** This research was conducted with a descriptive-analytical approach using library studies and content analysis of reliable sources. **Findings:** The findings show that historical geography, beyond describing past spatial locations, emphasizes the analysis of spatial change processes and human-environment interaction, and considers the accurate reconstruction of historical conditions to require the use of primary data, archaeological evidence, and modern analytical technologies such as Geographic Information Systems (GIS). This knowledge plays a fundamental role in explaining settlement patterns, exchange networks, environmental changes, and sustainable resource management, playing a fundamental role in future planning and preserving cultural heritage. The present study also provides a methodological critique of existing works in the field of Iranology and offers solutions for improving the quality of research. **Conclusion:** Finally, historical geography, as a bridge between the past and the future, not only provides a deeper understanding of space-based history, but also offers valuable insights for confronting contemporary environmental and cultural challenges.

ISSN (Online): 2783-2155

DOI: doi.org/10.48310/rhe.2026.22932.1194

Received: 1404-04-03 Reviewed: 1404-04-10 Accepted: 1404-05-25 PP: 79-106

Citation (APA): Rahbari, A. (2026). Historical Geography, Concepts, Approaches, and Applications with an Emphasis on the Context of Iranology. *The Journal of Title of Journal Research in History Education*, 6(30), 79-106.
 <https://doi.org/10.48310/rhe.2026.22932.1194>

جغرافیای تاریخی؛ مفهوم‌شناسی، رویکردها و کاربردها

با تأکید بر بستر ایران‌شناسی

عباس رهبری^{۱،*}

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

چکیده

پیشینه و اهداف: جغرافیای تاریخی، به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای، به بررسی پویایی‌های تعامل انسان و محیط در بستر زمان می‌پردازد. این رشته با تلفیق روش‌های جغرافیا و تاریخ، در پی بازسازی چشم‌اندازهای طبیعی-فرهنگی گذشته، تحلیل تحولات مکانی-زمانی و تبیین روابط علی و معلولی بین عوامل جغرافیایی و رویدادهای تاریخی است. هدف اصلی این پژوهش، ارائه تحلیلی جامع از مفهوم، رویکردها، روش‌ها و کاربردهای جغرافیای تاریخی با تأکید بر حوزه ایران‌شناسی است. **روش‌ها:** این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای منابع معتبر انجام شده است. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد که جغرافیای تاریخی فراتر از توصیف موقعیت‌های مکانی گذشته، بر تحلیل فرآیندهای تغییر فضایی و تعامل انسان و محیط تأکید دارد و بازسازی دقیق شرایط تاریخی را مستلزم بهره‌گیری از داده‌های دست‌اول، شواهد باستان‌شناختی و فناوری‌های نوین تحلیلی مانند سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) می‌داند. این دانش در تبیین الگوهای استقرارگاهی، شبکه‌های مبادلاتی، دگرگونی‌های محیطی و مدیریت پایدار منابع، نقش اساسی در برنامه‌ریزی آینده و صیانت از میراث فرهنگی ایفا می‌کند. همچنین، پژوهش حاضر به نقد روش‌شناختی آثار موجود در حوزه ایران‌شناسی پرداخته و راهکارهایی برای ارتقای کیفیت پژوهش‌ها ارائه می‌دهد. **نتیجه‌گیری:** در نهایت، جغرافیای تاریخی به‌عنوان پلی میان گذشته و آینده، نه تنها درک عمیق‌تری از تاریخ فضا‌محور فراهم می‌آورد، بلکه بینش‌های ارزشمندی برای مواجهه با چالش‌های محیطی و فرهنگی معاصر ارائه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی:

جغرافیای تاریخی،
مفهوم‌شناسی،
رویکردها،
ایران‌شناسی،
نقد روش‌شناختی.
۱. نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴-۰۳-۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴-۰۴-۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۵-۲۵

شماره صفحات: ۷۹-۱۰۶

مقدمه

جغرافیا و تاریخ دو رکن اساسی در شناخت گذشته و حال بشر هستند که قلمروی مطالعه آن‌ها به ترتیب مکان و زمان است. باین‌حال، مطالعه پدیده‌های انسانی بدون در نظر گرفتن بستر مکانی و تحولات تاریخی آن‌ها ناقص خواهد بود. پیوند ناگسستنی فضا و زمان زمینه‌ساز شکل‌گیری رشته میان‌رشته‌ای جغرافیای تاریخی شده است که به تحلیل پویای رابطه متقابل انسان و محیط در طول اعصار می‌پردازد. جغرافیای تاریخی نه تنها ویژگی‌های جغرافیایی دوره‌های گذشته را بازسازی می‌کند، بلکه نقش آن در فهم تأثیرات محیطی بر روندهای انسانی و بالعکس، اهمیت فراوان دارد. (Baker, 2003, p. 5)

در عصر کنونی، با سرعت تغییرات محیطی و اجتماعی بی‌سابقه، شناخت دقیق الگوهای گذشته سکونتگاهی، مسیرهای ارتباطی، تغییرات اقلیمی و نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی، می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را برای برنامه‌ریزی آینده و مواجهه با مشکلات زیست‌محیطی و فرهنگی ارائه دهد. (Darby, 1953, p. 4) باین‌حال، بسیاری از آثار پیرامون جغرافیای تاریخی در ایران، علی‌رغم عنوان آن، از عمق علمی و دقت روش‌شناختی لازم برخوردار نیستند و به بازنمایی جغرافیای امروز مناطق یا فهرست‌بندی آثار تاریخی اکتفا می‌کنند. این واقعیت ضرورت بازشناسی دقیق مفهوم، ضوابط علمی و رویکردهای تحقیقاتی در جغرافیای تاریخی به‌ویژه با تمرکز بر مطالعات ایران‌شناسی را نمایان می‌سازد (Ghaemmaghami, 1351, p. 11).

سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: مفهوم و ماهیت جغرافیای تاریخی چیست و جایگاه آن در علوم جغرافیا و تاریخ چگونه تعیین می‌شود؟ همچنین، رویکردها، موضوعات و روش‌های تحقیق در این رشته چه هستند و جغرافیای تاریخی چه کاربردهایی در تحلیل تحولات گذشته و برنامه‌ریزی آینده دارد؟ در این راستا، وضعیت جغرافیای تاریخی در ایران‌شناسی با نقد روش‌شناختی آثار منتشرشده موردبررسی قرار گرفته و راهکارهایی برای ارتقاء کیفیت پژوهش‌ها ارائه می‌شود.

اهمیت پژوهش: باوجود گسترش مطالعات تاریخی و جغرافیایی در ایران، حوزه جغرافیای تاریخی همچنان با خلأهای نظری و کاربردی مواجه است. بسیاری از آثار منتشرشده فاقد چارچوب مفهومی منسجم، دسته‌بندی رویکردهای علمی و تحلیل چندبعدی از کاربردهای این حوزه در مطالعات ایران‌شناسی هستند. از سوی دیگر، در برنامه‌ریزی فرهنگی، شهری و منطقه‌ای، بهره‌گیری از داده‌های جغرافیای تاریخی می‌تواند به بازسازی دقیق‌تر ساختارهای فضایی و فرهنگی کمک کند، اما این ظرفیت در ادبیات علمی ایران کمتر موردتوجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر باهدف پر کردن این خلأ، تلاش می‌کند ضمن تبیین نظریه‌ای از جغرافیای تاریخی، رویکردهای رایج را دسته‌بندی کرده و کاربردهای عملی آن را در بستر ایران‌شناسی تحلیل کند.

این مقاله می‌تواند به‌عنوان مبنایی نظری برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و فضایی در ایران مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

جغرافیای تاریخی به‌عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای از علوم انسانی، دارای پیشینه‌ای دیرینه در سنت‌های علمی غربی است. در میانه قرن بیستم، داری با تمرکز بر بازسازی تغییرات منظر در دوره‌های مختلف زمانی، تحولی بنیادین در این رشته ایجاد کرد و جغرافیای تاریخی را به‌عنوان ابزار مؤثر برای درک تحولات فضایی در بستر تاریخی معرفی نمود. (Darby, 1953, p. 1) هم‌زمان، کارل ساوئر و مکتب برکلی با تأکید بر مفهوم منظر فرهنگی و نقش انسان در شکل‌گیری آن، رویکردی انسان‌محور و تفسیری را در مطالعات جغرافیای تاریخی پایه‌گذاری کردند (Sauer, 1925, p. 46).

در ایران نیز تلاش‌هایی به‌منظور بومی‌سازی این مفاهیم صورت گرفته است. جهانگیر قائم‌مقامی (1351) از نخستین پژوهشگرانی است که با رویکردی انتقادی به متون موجود، بر تمایز قائل شدن میان جغرافیای معاصر و تاریخی و ضرورت توسعه روش‌شناسی دقیق تأکید کرده است. با این وجود، بخش عمده‌ای از آثار ایرانی موجود در این حوزه فاقد انسجام نظری و رویکرد تحلیلی است و به توصیف وضعیت جغرافیایی در قالب تاریخی یا فرهنگی اکتفا کرده‌اند؛ امری که باعث بروز نقدهای جدی در خصوص اعتبار علمی و روشمندی این آثار شده است.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌هایی صورت گرفته‌اند که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوینی مانند سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، تحلیل باستان‌شناسی و داده‌پردازی فضایی، دقت بازسازی‌های جغرافیایی را افزایش داده‌اند (Ahmadi & Aryamanesh, 1391, p. 45, Eaisalou, Latifi & Goodarzi, 2017, p. 77). با این حال، خلأهای فراوانی در تلفیق داده‌ها، تحلیل چندبعدی و پیوند نظری میان جغرافیا، تاریخ و فرهنگ همچنان پابرجاست.

بررسی آخرین مقالات منتشرشده در فصلنامه‌های تخصصی نیز نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها یا به مطالعات منطقه‌محور و توصیفی محدود شده‌اند یا فاقد تحلیل نظری و دسته‌بندی رویکردهای علمی در حوزه جغرافیای تاریخی هستند. نمونه‌هایی از این مقالات عبارت‌اند از: «جغرافیای تاریخی در جستجوی معنا و مفهوم» (Bagheri, 1397, p. 32) که به مفهوم‌شناسی این حوزه پرداخته اما با مطالعات ایران‌شناسی و چارچوب‌های نظری منسجم پیوند ندارد؛ «رویکرد پژوهشگران ایرانی و غربی در مبانی نظری جغرافیای تاریخی» (Razavi Khorasani, 1394, p. 4) که به بررسی تحولات نظری غربی اختصاص یافته و کاربردهای عملی آن در مطالعات بومی را نادیده گرفته است و مقاله «جغرافیای تاریخی منطقه زاگرس مرکزی در دوران پیش از

اسلام» (Mohammadifar, 1384, p. 83) که گرچه ارزش تاریخی دارد، اما فاقد به‌روزرسانی نظری و تحلیل کاربردی در بستر ایران‌شناسی معاصر است.

از سوی دیگر، مقالات تخصصی‌تری مانند «جغرافیای تاریخی بندر ریشهر از عهد باستان تا سقوط سلسله ساسانی» (Alizadeh Moghaddam & Shokrian, 1396, p. 177)، «جغرافیای تاریخی بندرها و کناره‌های ایرانی خلیج فارس با تکیه بر منابع جغرافیایی مسلمانان» (Khoshab & Aghazadeh, 1402, p. 529) و «مروری بر جغرافیای تاریخی گیلان - قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم» (Mirmiran & Kohansal, 1385, p. 197) (Khoshab et al., 1401, p. 120) به بستر ایران‌شناسی وفادارند ولی رویکرد آن‌ها عمدتاً توصیفی است و از تحلیل دسته‌بندی‌شده نظری بهره کافی نبرده‌اند.

آثار پژوهشی انجام‌شده در چند محور کلیدی متمرکز است:

- تأکید ناکافی بر تفکیک جغرافیای تاریخی از جغرافیای معاصر که باعث شده برخی پژوهش‌ها بیش‌تر به توصیف وضعیت کنونی بپردازند تا بازسازی تاریخی دقیق و علمی.
- ضعف در تلفیق نظریه‌ها و فقدان رویکردهای روشمند و علمی در تحلیل‌ها، به‌ویژه در مطالعات منطقه‌ای.

- کمبود بهره‌گیری از داده‌های چندمنبعی شامل اسناد تاریخی، باستان‌شناسی و فناوری‌های فضایی برای ارتقاء دقت پژوهش‌ها.

- گرایش به توصیف‌گرایی صرف و کمبود تحلیل‌های علی و ساختاری در ادبیات معاصر.

- نیاز به گسترش مطالعات تطبیقی و فرامنطقه‌ای برای به‌کارگیری تجربیات جهانی در پیشرفت پژوهش‌های ایران‌شناسی.

با این وجود، فرصت‌های بی‌بدیلی برای استفاده از فناوری‌های نوین، تلفیق داده‌های باستان‌شناسی و تاریخی و توجه به پیچیدگی‌های اقلیمی، سیاسی و فرهنگی ایران وجود دارد. این فرصت‌ها می‌توانند منجر به تولید علمی نوین و کاربردی در حوزه جغرافیای تاریخی شوند. تحقق این هدف، نیازمند تقویت مبانی نظری، افزایش همکاری‌های میان‌رشته‌ای و تمرکز بیشتر بر مطالعات دانشگاهی و میدانی روزآمد است.

با وجود ارزش مطالعات پیشین، یک ضعف مشترک آن‌ها غلبه رویکرد توصیفی و فقدان تحلیل میان‌رشته‌ای است. برای مثال، پژوهش خوش‌آب و آقازاده (1402) در بررسی مسیرهای تجاری ایران، هرچند داده‌های ارزشمندی ارائه کرده است، اما ارتباط آن با مبانی نظری جغرافیای تاریخی و جایگاه این مسیرها در تحول ساختار فضایی امپراتوری‌ها به‌درستی تبیین نشده است. همچنین، پژوهش رضوی خراسانی (1394) با تمرکز بر تحولات نظری غربی، کمتر به اقتضانات ایران‌شناسی توجه کرده است. این موارد نشان می‌دهد که ادبیات موجود، بیشتر به گزارش رویدادها یا مفاهیم

پرداخته تا تحلیل ساختاری و نظری. مقاله حاضر در تلاش است با ارائه چارچوبی ترکیبی، این خلأ را پر کرده و جغرافیای تاریخی ایران را در پرتو نظریه‌های جهانی بازخوانی نماید.

تفاوت پژوهش حاضر با مطالعات پیشین

پژوهش حاضر با عنوان «جغرافیای تاریخی؛ مفهوم‌شناسی، رویکردها و کاربردها با تأکید بر بستر ایران‌شناسی» در چند جنبه کلیدی نسبت به مطالعات پیشین متمایز است:

• این مطالعه نه تنها بر یک منطقه یا دوره تاریخی خاص تمرکز ندارد، بلکه به توسعه یک چارچوب نظری جامع و دسته‌بندی رویکردهای مختلف جغرافیای تاریخی می‌پردازد که دامنه کاربرد آن فراتر از محدوده زمان و مکان مشخص است.

• برخلاف برخی مقالات که عمدتاً به جنبه مفهوم‌شناسی جغرافیای تاریخی محدود شده‌اند، این پژوهش کاربردهای عملی این رشته را در زمینه مطالعات ایران‌شناسی به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون بازسازی فضایی، تحلیل فرهنگی و برنامه‌ریزی تاریخی به تفصیل بررسی می‌کند.

• این مقاله با استفاده هم‌زمان از منابع کلاسیک و معاصر، کوشیده است پیوندی مستحکم میان نظریه‌های جهانی جغرافیا و تاریخ و شرایط و زمینه‌های بومی ایران‌شناسی برقرار سازد که موجب افزایش اعتبار علمی و کارکردپذیری پژوهش در بستر محلی می‌شود.

روش

پژوهش حاضر از نوع کیفی — تحلیلی است و بر پایه مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای منابع علمی شکل گرفته است. در مرحله نخست، با بهره‌گیری از منابع کلاسیک و معاصر، مفاهیم بنیادین جغرافیای تاریخی استخراج و دسته‌بندی مفهومی صورت گرفته است. سپس، با بررسی مقالات علمی منتشرشده در فصلنامه‌های تخصصی و گزارش‌های پژوهشی مرتبط با ایران‌شناسی، رویکردهای رایج در مطالعات جغرافیای تاریخی شناسایی و تحلیل تطبیقی انجام شده است. در مرحله سوم، کاربردهای عملی این حوزه در بازسازی فضایی، تحلیل فرهنگی و برنامه‌ریزی تاریخی در بستر ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. منابع مورد استفاده شامل آثار نظری غربی (مانند Darby و Sauer)، متون ایرانی کلاسیک (مانند قائم‌مقامی) و مقالات علمی منتشرشده در پایگاه‌های معتبر داخلی نظیر نورمگز بوده‌اند. این روش ترکیبی امکان بررسی چندلایه‌ای مفاهیم، رویکردها و مصادیق کاربردی را فراهم کرده است.

یافته‌ها

مفهوم و ماهیت جغرافیای تاریخی: جغرافیای تاریخی، به‌عنوان یکی از شاخه‌های دیرینه و فعال در علوم انسانی، به مطالعه و بازسازی چشم‌اندازهای جغرافیایی گذشته می‌پردازد. این رشته فراتر

از توصیف صرف مکان‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی است و تلاش می‌کند فرآیندهای پویا و تغییرات فضایی-زمانی به‌ویژه در تعامل انسان و محیط را تبیین کند؛ بنابراین، گام نخست در تحقیقات این حوزه، درک دقیق مفهوم و حدود آن است. در این راستا، تعاریف متعدد و متنوعی در ادبیات بین‌المللی و فارسی وجود دارد که هر کدام به جنبه‌ای از این رشته توجه ویژه داشته‌اند. برای مثال:

• جهانگیر قائم‌مقامی (1951, p11) جغرافیای تاریخی را «ترسیم جغرافیای یک سرزمین در مقطع یا مقاطع خاصی از گذشته» تعریف می‌کند که باید بر اساس اصول علمی، اسناد معتبر و با دقت فراوان صورت گیرد. ایشان تأکید می‌کند که نباید جغرافیای تاریخی با جغرافیای معاصر منطقه خلط شود و بازسازی دقیق شرایط گذشته که شامل ویژگی‌های طبیعی و انسانی است، هدف اصلی است.

• ه. سی. داریبی^۱ (1953)، پیشگام جغرافیای تاریخی مدرن، آن را بازسازی جغرافیای گذشته در دوره‌های مختلف تاریخی می‌داند و معتقد است این رشته نقش کلیدی در درک تحولات منطری دارد.

• گیلبرت وایت^۲ (1945)، در اثر کلاسیک خود به نام «سازگاری انسان با سیل^۳»، با تأکید بر نحوه اشغال دشت‌های سیلابی، نشان می‌دهد که شرایط جغرافیایی گذشته نه تنها در شکل‌گیری رفتارهای انسانی مؤثر بوده‌اند، بلکه در بروز و شدت رویدادهای تاریخی نیز نقش داشته‌اند.

• کارل ساوئر^۴ (1925)، از منظر فرهنگی، جغرافیای تاریخی را بررسی چگونگی تبدیل منظر طبیعی به فرهنگی می‌داند که محصول فعالیت‌های انسانی در طول زمان است.

می‌توان گفت؛ جغرافیای تاریخی، شاخه‌ای میان‌رشته‌ای است که با تلفیق روش‌شناسی علوم جغرافیا و تاریخ، به مطالعه و بازسازی پویایی‌های فضایی-زمانی سامانه‌های انسان‌محیطی در گذشته می‌پردازد. هدف غایی این دانش، نه تنها بازنمایی ایستای چشم‌اندازهای جغرافیایی ادوار گذشته، بلکه واکاوی فرآیندهای علی و پیامدی است که در تعامل دیالکتیکی انسان (با تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن) و محیط طبیعی شکل‌گرفته و الگوهای سکونتگاهی، شبکه‌های ارتباطی، مناظر فرهنگی و سازمان فضایی جوامع را در بستر زمان دگرگون ساخته است. این رشته با بهره‌گیری از منابع دست‌اول تاریخی، داده‌های باستان‌شناسی و روش‌های نوین تحلیلی مانند سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، در پی ارائه درکی عمیق‌تر از

1- Darby

2- Gilbert F. White

3- Human Adjustment to Floods

4- Carl Sauer

ریشه‌های جغرافیایی رخداد‌های تاریخی و همچنین ارائه بینش‌های راهگشا برای برنامه‌ریزی آینده بر پایه آموزه‌های گذشته است.

ویژگی‌های جغرافیای تاریخی

با جمع‌بندی این دیدگاه‌ها، جغرافیای تاریخی را می‌توان به‌عنوان علمی دانست که:

- بر زمان گذشته متمرکز است، بر خلاف جغرافیای معاصر که به شرایط فعلی می‌پردازد.
- میان‌رشته‌ای است و از تلفیق جغرافیا و تاریخ بهره می‌برد.
- پویاست و به تحلیل تغییرات و دگرگونی‌های فضایی و زمانی می‌پردازد.
- در جستجوی تبیین روابط علی بین عوامل محیطی و انسانی است.

جدول مقایسه تعاریف جغرافیای تاریخی

صاحب‌نظر	محور دیدگاه	تعریف کلیدی
قائم‌مقامی (1351)	بازسازی علمی جغرافیای گذشته	ترسیم جغرافیای یک سرزمین در مقاطع تاریخی بر اساس اسناد معتبر
داریبی (1953)	تحول منظر در زمان	بازسازی جغرافیای گذشته در دوره‌های مختلف تاریخی
گیلبرت وایت (1950)	تأثیر و تأثر متقابل	مطالعه شرایط جغرافیایی گذشته که بر رویدادهای تاریخی تأثیرگذار بوده‌اند
سائوئر (1925)	منظر فرهنگی	بررسی تبدیل منظر طبیعی به منظر فرهنگی توسط فعالیت انسانی در طول زمان

جایگاه جغرافیای تاریخی در علوم جغرافیا و تاریخ

جغرافیای تاریخی به دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای خود، در مرز مشترک دو علم کلیدی جغرافیا و تاریخ قرار دارد و این موقعیت، هم فرصت‌های پژوهشی گسترده‌ای فراهم می‌کند و هم با روش‌شناختی متعددی که می‌طلبد روش‌های مطالعه با دقت تلفیق و بومی‌سازی شوند (Ghaemmaghami, 1351, p. 13).

- از منظر جغرافیایی، جغرافیای تاریخی زیرشاخه‌ای از جغرافیای انسانی یا فرهنگی است که بعد زمانی را به تحلیل فضایی می‌افزاید. این دانش به جغرافی‌دانان کمک می‌کند تا الگوها و ساختارهای فضایی معاصر را در پرتو تحولات گذشته درک کنند. به تعبیر دیگر، آن‌ها «جغرافیا از طریق تاریخ» را پی می‌گیرند. برای نمونه، تحلیل‌هایی درباره تغییرات در توزیع سکونت‌گاه‌ها و پوشش گیاهی با توجه به تحولات تاریخی و سیاسی انجام می‌شود (Baker, 2003: 5).

• از منظر تاریخی، جغرافیای تاریخی ابزار قدرتمندی برای تاریخ‌نگاران محسوب می‌شود تا وقایع تاریخی را به دلیل بستر مکانی‌شان بهتر تحلیل کنند. حذف فاکتورهای جغرافیایی موجب تحلیل‌های ناقص و غیر واقعی تاریخ‌ها می‌شود؛ بنابراین این رشته، «تاریخ از طریق جغرافیا» را تحقق می‌بخشد که به فهم بهتر سیر تاریخی و تأثیر عوامل محیطی و انسانی می‌انجامد. محیط جغرافیایی نه پس‌زمینه‌ای خاموش، بلکه بازیگری فعال در صحنه تاریخ است. کوه‌ها، دریاها، اقلیم‌ها و مسیرهای طبیعی، نه تنها بستر رویدادها، بلکه تعیین‌کننده ریتم‌ها و محدودیت‌های زندگی انسانی‌اند. آن‌ها تاریخ را کند می‌کنند، مقاومت می‌ورزند و گاه مسیر آن را تغییر می‌دهند. برودل تأکید می‌کند که تاریخ‌نگاری نباید صرفاً بر رویدادهای سیاسی یا تحولات سریع تمرکز کند، بلکه باید به ساختارهای پایدار محیطی توجه داشته باشد. او محیط را «سهمی از تاریخ» می‌داند که در قالب ساختار سه‌لایه‌ای عمل می‌کند، یعنی زمان جغرافیایی (ساختارهای پایدار محیطی)، زمان اجتماعی-اقتصادی (تحولات کند)، زمان رویدادی (تحولات سریع و سطحی)، وی در ادامه، محیط را نه به‌عنوان عامل تعیین‌کننده مطلق، بلکه به‌عنوان «شرایط امکان» برای کنش انسانی معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، انسان در تعامل با محیط می‌اندیشد، تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند، اما این تعامل در چارچوبی فضایی و طبیعی رخ می‌دهد که خود دارای منطق تاریخی است (Braudel, 1958, vol. 2, chap. 2).

رویکردها و مکاتب در جغرافیای تاریخی

جغرافیای تاریخی در طول زمان تجربه رویکردها و مکاتب فکری مختلفی را داشته است که هر کدام به غنای این رشته افزوده‌اند و بر عمق تحلیل‌ها و روش‌های تحقیق تأثیر گذاشته‌اند. شناخت این رویکردها برای پژوهشگران و تدوین آثار علمی دقیق ضروری است (Ghaemmaghami, 1351, p. 13).

۱. رویکرد جبرگرایی محیطی

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، رویکرد جبرگرایی محیطی به‌عنوان یکی از مکاتب غالب در جغرافیای انسانی مطرح شد. این دیدگاه بر آن بود که عوامل طبیعی نظیر اقلیم، توپوگرافی و منابع زیستی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و حتی مسیرهای تاریخی ایفا می‌کنند. فردریش راتزل^۱ در اثر بنیادین خود جغرافیای انسانی^۲ با تأکید بر تأثیر محیط بر رفتارهای انسانی، پایه‌های نظری این مکتب را بنا نهاد (Ratzel, 1891, vol. 2, chap. 3) (بعدها،

1- Friedrich Ratzel

2 -Anthropogeographie

آلن چرچیل سمپل^۱ در کتاب تأثیرات محیط جغرافیایی^۲ این دیدگاه را نظام‌مند کرد و آن را به حوزه‌های فرهنگی و تاریخی بسط داد (Semple, 1911, p. 9).

باوجود تأکید این رویکرد بر اهمیت عوامل طبیعی، منتقدان آن را به ساده‌سازی افراطی و نادیده‌گرفتن نقش اراده انسانی، فناوری و فرهنگ متهم کرده‌اند. دیوید لیوینگستون^۳ در تحلیل تاریخی خود از سنت‌های جغرافیایی، هشدار می‌دهد که جبرگرایی محیطی گاه به مشروعیت‌بخشی به دیدگاه‌های نژادمحور و سلطه‌طلبانه منجر شده است (Livingstone, 1993, p. 123).

۲. رویکرد امکان‌گرایی محیطی

رویکرد امکان‌گرایی محیطی به‌عنوان واکنشی نظری به جبرگرایی محیطی، در اوایل قرن بیستم توسط پل ویدال دو لا بلاش^۴ بنیان‌گذاری شد. برخلاف دیدگاه جبرگرایانه که محیط را عامل تعیین‌کننده رفتارهای انسانی می‌دانست، امکان‌گرایی بر این باور است که محیط طبیعی صرفاً مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها را فراهم می‌آورد و این انسان است که با بهره‌گیری از فرهنگ، فناوری و اراده، مسیرهای گوناگون را انتخاب می‌کند. به تعبیر ویدال، طبیعت «پیشنهاددهنده» است، نه «تعیین‌کننده» قطعی (Vidal de La Blache, 2015, p. 124). از نقاط قوت این رویکرد می‌توان به تأکید آن بر نقش فعال انسان و پیچیدگی رابطه انسان و طبیعت اشاره کرد؛ رابطه‌ای که در آن انسان نه تنها واکنش‌پذیر، بلکه خلاق و تحول‌آفرین است. بااین‌حال، منتقدان امکان‌گرایی معتقدند که این دیدگاه، گاه از تأثیر محدودیت‌های شدید محیطی (اقلیم‌های حاد یا توپوگرافی‌های دشوار) غفلت می‌کند و نقش آن‌ها را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد (Livingstone, 1993, p. 124).

۳. رویکرد منظر فرهنگی

رویکرد منظر فرهنگی که توسط کارل ساوئر^۵ و شاگردان او در مکتب برکلی بنیان‌گذاری شد، بر این اصل استوار است که محیط طبیعی تحت تأثیر فعالیت‌های انسانی در گذر زمان دگرگون می‌شود و به «منظر فرهنگی» بدل می‌گردد. ساوئر، منظر فرهنگی را حاصل تعامل تاریخی انسان با طبیعت می‌داند؛ فرآیندی که در آن فرهنگ، فناوری و شیوه‌های زیست انسانی به تدریج چهره فضا را تغییر می‌دهند (Sauer, 1925, p. 46).

1 -Ellen Churchill Semple

2- Influences of Geographic Environment

3 -David Livingstone

4 -Paul Vidal de la Blache

5 -Karl Sauer

جغرافی‌دانان این مکتب با تمرکز بر بازسازی مناظر گذشته، به تحلیل فرآیندهای تغییر منظر در بستر تاریخی می‌پردازند. این رویکرد با نگاه جامع به ابعاد فیزیکی، فرهنگی و انسانی محیط، امکان فهم پیچیدگی‌های فضایی را فراهم می‌سازد. با این حال، منتقدان اشاره کرده‌اند که در برخی موارد، این دیدگاه نسبت به عوامل زیربنایی اقتصادی و اجتماعی (ساختارهای قدرت، مناسبات تولید و نابرابری‌های فضایی) توجه کافی نشان نمی‌دهد (Livingstone, 1993, p. 125).

۴. رویکردهای نوین

در دهه‌های اخیر، جغرافیای تاریخی با پذیرش رویکردهای پیچیده‌تر و چندوجهی، از چارچوب‌های کلاسیک فاصله گرفته و به سوی تحلیل‌های ترکیبی و انتقادی حرکت کرده است. این تحول نظری در قالب سه جریان عمده قابل شناسایی است:

- رویکردهای سیستمی با بهره‌گیری از نظریه سیستم‌ها، به بررسی تعاملات پویا میان اجزای انسانی، طبیعی و اقتصادی در طول زمان می‌پردازند. این دیدگاه، جغرافیای تاریخی را به‌عنوان بخشی از یک کل پیچیده در نظر می‌گیرد که در آن روابط متقابل و بازخوردها نقش تعیین‌کننده دارند (Haggett, 2001, p. 205)
- جغرافیای تاریخی انتقادی با تمرکز بر مفاهیمی چون قدرت، نابرابری و ایدئولوژی، به تحلیل نحوه شکل‌گیری مناظر تاریخی در بستر مناسبات اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. این رویکرد، مناظر را نه صرفاً محصول تعامل انسان و طبیعت، بلکه بازتابی از ساختارهای سلطه و مقاومت می‌داند (Livingstone, 1993, p. 12).
- رویکردهای پسااستعماری و فمینیستی در جغرافیای تاریخی، با تمرکز بر تجربه‌های گروه‌های به‌حاشیه‌رانده شده (از جمله زنان، جوامع بومی و اقلیت‌های فرهنگی) به بازنگری در روایت‌های غالب و بازسازی مناظر از دیدگاه‌های بدیل می‌پردازند. این جریان‌ها با نقد جهان‌بینی استعمارمحور و مردسالار، بر تنوع تجربه‌های فضایی و تاریخی تأکید دارند. چاندرا موهانتی^۱، بر ضرورت استعمارزدایی نظریه‌های فمینیستی و تمرکز بر همبستگی فراملی میان زنان با تجربه‌های متفاوت تأکید می‌کند (Mohanty, 2006, p. 2).

اهمیت رویکردها در مطالعات ایران‌شناسی

در ایران‌شناسی، انتخاب رویکرد مناسب به دلیل پیچیدگی‌های مناظر تاریخی و تنوع اقلیمی و فرهنگی، حیاتی است. قائم‌مقامی (1351) انتقاد می‌کند که بسیاری از آثار فاقد رویکرد روش‌شناختی مشخص هستند و توصیه می‌کند:

- از دام جبرگرایی محیطی پرهیز شده و به نقش فعال انسان ایرانی توجه شود (امکان گرای).)
- رویکرد منظر فرهنگی برای تحلیل تعاملات تاریخی انسان و محیط به‌ویژه در ساخت قنات‌ها و شهرهای باستانی مورد استفاده قرار گیرد.
- رویکردهای سیستمی برای درک شبکه‌های تجاری، سیستم‌های آبیاری و سازمان فضایی امپراتوری‌ها به کار گرفته شود.
- بهره‌گیری از منابع تاریخی دست‌اول و داده‌های باستان‌شناسی همراه با تحلیل فضایی انجام گیرد تا بازسازی‌های دقیق‌تر صورت پذیرد.

جدول خلاصه رویکردها و مکاتب فکری در جغرافیای تاریخی

مثال عینی	کاربرد نمونه در مطالعه ایران	رویکرد
ابداع و توسعه سیستم قنات برای مقابله با خشکی	تحلیل غلبه بر محدودیت‌های محیطی	امکان گرایی
مطالعه تغییر منظر دشت نیشابور بر اثر کشاورزی و شهرنشینی	بررسی تحول منظر در نتیجه فعالیت‌های انسانی	منظر فرهنگی
بررسی ارتباط جاده ابریشم، شهرهای کاروانی و مراکز سیاسی	تحلیل شبکه راه‌ها و تجارت در امپراتوری ساسانی	رویکرد سیستمی
تحلیل مکان‌یابی مراکز حکومتی در اصفهان عصر صفوی	بررسی بازتاب روابط قدرت در سازمان فضایی شهرهای تاریخی	رویکرد انتقادی

موضوعات و حوزه‌های مطالعاتی جغرافیای تاریخی

جغرافیای تاریخی به دلایل متنوع و متعدد، حوزه‌های مطالعاتی گسترده‌ای را شامل می‌شود که درک عمیق هر یک از آن‌ها برای پژوهشگران اهمیت فراوانی دارد. این موضوعات عمدتاً حول محور تحلیل تغییرات فضایی-زمانی و تعاملات متقابل انسان و محیط تعریف می‌شوند.

تأثیرات متقابل انسان و محیط‌زیست در طول زمان

هسته مرکزی جغرافیای تاریخی را تحلیل تأثیرات دوطرفه انسان و محیط تشکیل می‌دهد. از یک‌سو، عوامل محیطی طبیعی همچون اقلیم، منابع آبی و توپوگرافی بر الگوهای سکونت، مهاجرت‌ها، شکل‌گیری تمدن‌ها و ویژگی‌های فرهنگی-اقتصادی جوامع تأثیر می‌گذارند؛ برای مثال نقش کمبود آب در توسعه فناوری قنات در ایران، از سوی دیگر، انسان نیز به شکل قابل توجهی منظر طبیعی را تغییر داده است که نمونه‌هایی چون جنگل‌زدایی، توسعه کشاورزی

و شهرسازی گواه آن است. تغییر مسیر رودخانه‌ها برای آبیاری در بین‌النهرین باستان نمونه‌ای تاریخی از این تأثیرات متقابل است (Darby, 1953: 3).

توزیع جمعیت و الگوهای سکونتگاهی

مطالعه الگوهای توزیع جمعیت در دوره‌های مختلف تاریخی، یکی از محورهای اساسی در جغرافیای تاریخی محسوب می‌شود. تغییرات در تراکم جمعیت ناشی از عوامل گوناگون مانند فجایع طبیعی، جنگ‌ها، مهاجرت‌های گسترده و تحولات اقتصادی-سیاسی، نقش مهمی در شکل‌گیری و دگرگونی شهرها و روستاها ایفا کرده‌اند. تحلیل تاریخی این روندها، امکان فهم بهتر چرایی رشد یا افول مراکز جمعیتی را فراهم می‌سازد. همچنین بررسی شهرهای متروکه و دلایل زوال آن‌ها (تغییرات اقلیمی، بی‌ثباتی سیاسی، یا جابه‌جایی مسیرهای تجاری) در مطالعات منظر جمعیتی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این زمینه، پژوهش‌های بلندمدت درباره تغییرات جمعیت شهری در اروپا نشان داده‌اند که عوامل محیطی و ساختارهای قدرت سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری یا فروپاشی سکونت‌گاه‌ها داشته‌اند (Buringh, 2021, p. 3).

مسیرهای تجاری و ارتباطی

مسیرهای ارتباطی از عوامل تعیین‌کننده توسعه تمدن‌ها، تبادلات فرهنگی و قدرت‌های سیاسی بوده‌اند. بررسی شبکه‌های جاده‌ای مانند جاده ابریشم، مسیرهای دریایی و رودخانه‌ای قابل کشتیرانی و نقاط کنترلی استراتژیک مانند تنگه‌ها و گذرگاه‌های کوهستانی از موضوعات مطالعاتی مهم جغرافیای تاریخی به شمار می‌رود. تغییرات سیاسی نیز به صورت مستقیم بر عبور و مرور این مسیرها و شکل‌دهی شبکه‌های ارتباطی اثر گذاشته است (Baker, 2003, p7).

تغییرات در منظر فرهنگی و طبیعی

بررسی چگونگی تغییر شکل ظاهری یک منطقه در طول زمان از جمله دیگر موضوعات مهم است؛ این شامل تغییر در پوشش گیاهی، کاربری اراضی، تحولات ژئومورفولوژیکی مانند فرسایش و رسوب‌گذاری، بازسازی منظر شهری و تأثیرات تغییرات اقلیمی تاریخی بر زندگی جوامع انسانی است. این مطالعات امکان بازشناسی روند تحولات طولانی‌مدت محیط و انسان را فراهم می‌کند (Sauer, 1925, p 49).

برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در بستر تاریخی

درک دقیق سیر تحول شهری و منطقه‌ای، شناسایی عناصر ارزشمند تاریخی برای حفظ و احیا و تحلیل ریشه‌های تاریخی مشکلات معاصر همانند ترافیک و آلودگی از طریق مطالعه جغرافیای تاریخی، به برنامه‌ریزان شهری بینش‌های مهمی می‌دهد. این دانش به ساخت برنامه‌های آینده‌نگر شهری و منطقه‌ای کمک می‌کند (Ghaemmaghami, 1351, p. 16).

تقسیمات کشوری، مرزها و قلمروها

تحولات تاریخی مرزهای سیاسی و تقسیمات اداری و تأثیر آن‌ها بر سازمان فضایی جوامع نیز از موضوعات کلیدی است. بررسی چگونگی تحولات این تقسیمات، قلمروهای نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تأثیر تغییرات اجتماعی و نظامی بر مرزها، گره‌گاه مهمی در مطالعات جغرافیایی تاریخی است (Braudel, 1958, vol. 1, chap. 2, p. 25)

روش‌های تحقیق در جغرافیای تاریخی

تحقیقات در حوزه جغرافیای تاریخی نیازمند استفاده از مجموعه‌ای متنوع از روش‌ها و ابزارهای علمی است که بتواند داده‌های گوناگون تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی را به صورت دقیق و یکپارچه تحلیل کند. این روش‌ها علاوه بر تأمین دقت علمی، امکان تحلیل علی و بازسازی احوال گذشته را فراهم می‌آورند.

۱. مطالعه اسناد و مدارک تاریخی

مهم‌ترین و بنیادی‌ترین ابزار پژوهش در جغرافیای تاریخی مطالعه منابع مکتوب و اسناد برجای‌مانده است که شامل:

- متون تاریخی و جغرافیایی کهن مانند کتب تاریخ، سفرنامه‌ها و منابع جغرافیایی
- نقشه‌های تاریخی نظامی، تجاری و سیاسی
- اسناد اداری، مالی و مراجعی همچون دفاتر دیوانی، اسناد مالیاتی و وقف نامه‌ها
- سوابق شفاهی و فولکلوریک که البته نیازمند تأیید و تقاطع با منابع دیگر است
- عکس‌های تاریخی و هوایی قدیمی برای شناخت تغییرات منظر (Ghaemmaghami, 1351, p. 16).

۲. تحلیل فضایی و سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)

تحلیل فضایی با بهره‌گیری از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، به یکی از روش‌های پیشرفته و مؤثر در مطالعات تاریخی-جغرافیایی بدل شده است. این فناوری امکان تلفیق داده‌های مکانی با اطلاعات تاریخی را فراهم می‌سازد و ابزارهایی برای تحلیل، تجسم و مدل‌سازی تغییرات فضایی در طول زمان ارائه می‌دهد. کاربردهای اصلی GIS در این حوزه شامل موارد زیر است:

- دیجیتالی‌سازی و ساماندهی نقشه‌ها و اسناد تاریخی
- شبیه‌سازی و مدل‌سازی فضایی تغییرات منظر و جریان‌های جمعیتی
- تحلیل الگوهای فضایی مانند ارتباط سکونت‌گاه‌ها با منابع طبیعی
- تجسم داده‌ها از طریق نقشه‌های سه‌بعدی، انیمیشن‌های تاریخی و بازسازی مناظر گذشته.

همچنین با ورود GIS به جغرافیا، تحول بنیادینی در روش‌شناسی این علم ایجاد کرده و امکان تحلیل‌های دقیق‌تر و چندلایه از ساختارهای فضایی را فراهم ساخته است (Alijani, 1394, p. 5).

۳. کاوش‌های باستان‌شناسی

کاوش‌های باستان‌شناسی نقش بنیادینی در شناخت دوره‌های پیش‌ازتاریخ و تاریخی ایفا می‌کنند. این روش با بهره‌گیری از شواهد مادی، امکان بازسازی الگوهای سکونت، فناوری و تعامل انسان با محیط را فراهم می‌سازد. فعالیت‌های کلیدی در این حوزه شامل موارد زیر است:

- شناسایی و توصیف سکونت‌گاه‌های باستانی از طریق بررسی لایه‌های فرهنگ.
- تحلیل سازه‌ها و معماری‌های تاریخی مانند قنات‌ها، پل‌ها و بناهای آیینی.
- بررسی ابزارهای تولید و مصرف و تحلیل بقایای گیاهی و جانوری برای بازسازی رژیم غذایی، شرایط اقلیمی و اقتصاد زیستی جوامع گذشته.

در پژوهشی درباره محوطه باستانی چغاگلان، محققان نشان دادند که ترکیب داده‌های معماری، زیست‌محیطی و فرهنگی، مکملی ضروری برای منابع مکتوب محسوب می‌شود و درک عمیق‌تری از تحولات تاریخی فراهم می‌سازد (Abdi, 2003, p. 415).

۴. مطالعات میدانی و مشاهده

مطالعات میدانی و مشاهده مستقیم، از روش‌های کلیدی در تحلیل مناظر فرهنگی معاصر محسوب می‌شوند؛ چراکه بسیاری از نشانه‌های فضایی بازمانده از گذشته، تنها از طریق حضور در محل و تعامل با محیط قابل شناسایی‌اند. این مطالعات شامل موارد زیر هستند:

- بازدید از مکان‌های تاریخی و باستانی برای بررسی لایه‌های فضایی و کالبدی
- مشاهده و تحلیل منظر فرهنگی معاصر با تمرکز بر عناصر زیستی، کالبدی و نمادین
- مصاحبه با ساکنان بومی برای بهره‌گیری از دانش محلی و حافظه تاریخی
- تهیه کروکی، نقشه‌برداری میدانی و ثبت داده‌های تجربی برای اعتبارسنجی فرضیات

تحلیلی

در پژوهشی درباره نقشه‌نگاری فرهنگی، حسین‌یزدی و فیاض تأکید می‌کنند که مشارکت جوامع محلی و مشاهده میدانی، ابزارهایی مؤثر برای ثبت ارزش‌های فرهنگی و تحلیل مناظر هستند؛ به‌ویژه در فرآیند بازآفرینی فضایی و مستندسازی حافظه مکان (Hossein Yazdi & Fayyaz, 1403, p. 123).

۵. روش‌های میان‌رشته‌ای و تلفیقی

بیشترین اثربخشی پژوهشی از تلفیق هوشمندانه روش‌های ذکرشده حاصل می‌شود. پژوهشگر باید توانایی تلفیق اطلاعات اسناد تاریخی، داده‌های مکانی، یافته‌های باستان‌شناسی و مطالعات

میدانی را داشته باشد. استفاده از GIS در تحلیل و بصری سازی داده‌ها و بازدیدهای میدانی برای تأیید دیدگاه‌های نظری، امکان بازسازی دقیق‌تر و جلوگیری از ساده‌انگاری را فراهم می‌کند. این رویکرد میان‌رشته‌ای، روش‌شناسی علمی و منسجم جغرافیای تاریخی را تضمین می‌کند (Ghaemmaghami, 1351, p. 18).

روش‌های تحقیق در جغرافیای تاریخی نیازمند بهره‌گیری از مجموعه‌ای ترکیبی و میان‌رشته‌ای از روش‌ها و فناوری‌ها برای تحلیل دقیق داده‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی هستند. در زمینه مطالعات ایران‌شناسی، نمونه‌های کاربردی متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده کارآمدی این روش‌ها در بازسازی و تحلیل تحولات تاریخی-فضایی هستند.

یکی از روش‌های مؤثر در مطالعات جغرافیای تاریخی، بهره‌گیری از فناوری سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) است. این فناوری امکان تلفیق داده‌های مکانی، نقشه‌های تاریخی و تحلیل‌های فضایی را فراهم می‌آورد. در پژوهشی توسط علیمزادی، احمدی و قبادیان (1398)، نقش آموزه‌های شهرسازی در شکل‌گیری کالبد شهر اصفهان در دوره صفویه با استفاده از تحلیل‌های GIS بررسی شده است که نشان‌دهنده ظرفیت این فناوری در بازسازی ساختار فضایی شهرهای تاریخی ایران است.

همچنین در مقاله‌ای از اسدی، سلطان‌زاده و داوودپور (1400)، دگرذیسی ساختار فضایی شهر اصفهان از دوره صفویه تاکنون با تمرکز بر تغییرات قدرت سیاسی و تأثیر آن بر سازمان فضایی شهر تحلیل شده است. این پژوهش نیز از داده‌های تاریخی و روش‌های تحلیل فضایی بهره گرفته است.

در حوزه باستان‌شناسی، مطالعاتی مانند بررسی تحولات ساختار شهر اصفهان در دوره‌های مختلف تاریخی (Alimoradi et al., 1398) نشان داده‌اند که تلفیق داده‌های باستان‌شناسی، منابع مکتوب و GIS می‌تواند در تحلیل سیستم‌های آبیاری سنتی مانند قنات‌ها و مسیرهای کاروان‌رو مؤثر باشد.

روش‌های میدانی نیز نقش مهمی در تکمیل داده‌های تاریخی دارند. مشاهده مستقیم، مصاحبه با ساکنان محلی و تهیه نقشه‌های میدانی از جمله ابزارهایی هستند که در بازسازی منظرهای فرهنگی و طبیعی گذشته به کار می‌روند. این روش‌ها به تأیید و تکمیل داده‌های تاریخی کمک کرده و در تحلیل شرایط محیطی-انسانی گذشته نقش کلیدی دارند.

در نهایت، تلفیق داده‌های تاریخی، باستان‌شناسی و مکانی با روش‌های تحلیلی تطبیقی، امکان بازسازی‌های دقیق و علمی از ساختارهای فضایی گذشته را فراهم می‌آورد که در مطالعات جغرافیای تاریخی ایران ضروری است.

کاربردهای جغرافیای تاریخی

جغرافیای تاریخی به‌عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای که تاریخ و جغرافیا را به هم پیوند می‌دهد، نه تنها به شناخت بهتر گذشته کمک می‌کند بلکه در حل مسائل امروز و برنامه‌ریزی برای آینده نیز نقش مهمی ایفا می‌نماید. این رشته از نظر کاربردی دارای ابعاد متنوعی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. درک عمیق‌تر تاریخ و رویدادها

جغرافیای تاریخی امکان تحلیل علل و پیامدهای جغرافیایی در رخداد‌های مهم تاریخی همچون جنگ‌ها، مهاجرت‌ها و شکل‌گیری یا افول تمدن‌ها را فراهم می‌سازد. بررسی الگوهای فضایی-زمانی تکرارشونده، روایت‌های تاریخی را از سطح توصیفی فراتر برده و به آن‌ها بُعدی تحلیلی و فضا‌محور می‌بخشد. به این ترتیب تاریخ نه صرفاً به‌عنوان رشته‌ای روایی، بلکه به‌مثابه دانشی پویا و مبتنی بر تبیین روابط مکانی-زمانی درک می‌شود (Darby, 1953, p. 5).

۲. مدیریت پایدار منابع طبیعی و زیست‌محیطی

مطالعه الگوهای بهره‌برداری گذشته نشان می‌دهد که بسیاری از جوامع تاریخی با اتخاذ روش‌های سازگار با محیط، توانسته‌اند منابع طبیعی را به شکل پایدار مدیریت کنند. نمونه‌هایی همچون نظام قنات، سدسازی سنتی و کشاورزی متناسب با اقلیم، نشان‌دهنده راهکارهای بومی موفق در برابر کم‌آبی و فرسایش خاک است. بازشناسی این تجارب، هم در تحلیل تغییرات اقلیمی تاریخی اهمیت دارد و هم برای برنامه‌ریزی آینده و کاهش بحران‌های محیط‌زیستی سودمند است (Ghaemmaghami, 1351, p. 20).

۳. شهرسازی و برنامه‌ریزی آینده‌نگر

بررسی تحولات فضایی شهرها در گذشته به شناسایی نقاط قوت و ضعف الگوهای توسعه شهری یاری می‌رساند. جغرافیای تاریخی می‌تواند ریشه‌های مشکلات امروزی مانند تراکم ناموزون، آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی یا ضعف در شبکه‌های ارتباطی را آشکار کند. علاوه بر این، بازسازی روندهای تاریخی توسعه شهری زمینه را برای طراحی سیاست‌های کارآمد در حفظ بافت‌های تاریخی، تقویت هویت مکانی و ایجاد الگوهای پایدار شهرسازی فراهم می‌کند (Baker, 2003, p. 9).

۴. حفظ و احیای میراث فرهنگی و طبیعی

یکی از کارکردهای کلیدی جغرافیای تاریخی، شناسایی و مستندسازی آثار تاریخی، مسیرهای ارتباطی فراموش‌شده و مناظر طبیعی ارزشمند است. این شناخت به درک بستر مکانی و تاریخی میراث فرهنگی کمک می‌کند و امکان برنامه‌ریزی مؤثر برای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از آن‌ها را فراهم می‌سازد. همچنین، چنین پژوهش‌هایی می‌توانند پشتوانه‌ای برای توسعه

گردشگری فرهنگی و احیای هویت محلی و ملی باشند (Ghaemmaghami, 1351, p. 21).

۵. آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی

جغرافیای تاریخی ظرفیت بالایی در ارتقای آگاهی عمومی نسبت به رابطه متقابل انسان و محیط دارد. آموزش این مباحث در مدارس و دانشگاه‌ها، همراه با استفاده از ابزارهای نوین مانند نمایشگاه‌های تعاملی، نقشه‌های دیجیتال و پلتفرم‌های آموزشی، می‌تواند به شکل‌گیری هویت فرهنگی و مکانی عمیق‌تر و آگاهی‌بخشی اجتماعی کمک نماید.

مطالعه موردی: جغرافیای تاریخی شهر کرمان در دوره‌های تاریخی

یکی از نمونه‌های برجسته در مطالعات جغرافیای تاریخی ایران، تحلیل ساختار فضایی شهر کرمان با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) است. پژوهش خاکپور و کمانداری (1395) نشان می‌دهد که مکان‌یابی پهنه‌های مناسب برای مسیرهای پیاده‌گردی در بافت تاریخی کرمان، نه تنها به ارتقای گردشگری فرهنگی کمک می‌کند، بلکه ابزاری برای بازسازی الگوهای فضایی گذشته نیز فراهم می‌آورد.

در این مطالعه، داده‌های مکانی، نقشه‌های تاریخی و تحلیل‌های میدانی تلفیق شده‌اند تا رابطه میان ساختارهای فضایی و تصمیمات تاریخی در شکل‌گیری شهر آشکار شود. این نوع تحلیل‌ها نشان می‌دهند که جغرافیای تاریخی فراتر از توصیف مکان‌های گذشته است و می‌تواند به فهم عمیق‌تری از پویایی‌های تاریخی و کالبدی شهرهای ایرانی منجر شود.

نمونه‌ای دیگر از این رویکرد، پژوهش عطاریان و بیرانوند (1397) درباره شهر باستانی شاپورخواست است که با استفاده از GIS، ساختار کالبدی شهر بر اساس الگوی شهرهای ساسانی بازسازی شده است. این مطالعات الگویی برای پژوهش‌های مشابه در دیگر شهرهای تاریخی ایران فراهم می‌آورند و به غنای مباحث نظری و کاربردی در ایران‌شناسی کمک می‌کنند.

چالش‌ها و فرصت‌های جغرافیای تاریخی در بستر ایران‌شناسی

جغرافیای تاریخی در ایران، با وجود پیشینه غنی تاریخی، منابع متعدد باستان‌شناسی و تنوع اقلیمی و فرهنگی، با چالش‌های متعددی روبرو است که به طور قابل توجهی بر کیفیت و عمق پژوهش‌ها تأثیر گذاشته‌اند. این چالش‌ها شامل موانع نظری، روش‌شناختی، داده‌ای و ساختاری هستند که نیازمند توجه ویژه و اقدامات نظام‌مند می‌باشند.

چالش‌های نظری و مفهومی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در مطالعات جغرافیای تاریخی ایران، عدم تفکیک روشن میان جغرافیای تاریخی و جغرافیای معاصر است. بسیاری از پژوهش‌ها به جای بازسازی دقیق شرایط

و ویژگی‌های دوره‌های گذشته، تنها به توصیف و شرح وضعیت کنونی مناطق تاریخی پرداخته‌اند. این مسئله موجب «زمان‌پریشی» شده و تحلیل‌ها را از عمق و اعتبار علمی می‌اندازد. به طور نمونه، در بررسی‌های مربوط به مناطق مختلف کشور، حدود ۶۰ درصد آثار منتشرشده فاقد تفکیک زمانی دقیق و توأم با بازسازی تاریخی واقعی بوده‌اند (Ghaemmaghami, 1351, p. 22).

فقدان چارچوب نظری منسجم و دسته‌بندی شده از رویکردهای جغرافیای تاریخی نیز مشکل دیگری است که موجب شده مطالعات بیشتر دارای رویکردهای پراکنده و غیرتطبیقی باشند. این امر علاوه بر کاهش ترکیب علمی پژوهش، باعث کم‌رنگ شدن تبیین‌های علی و ساختاری در تحلیل تحولات تاریخی شده است.

چالش‌های روش‌شناختی و داده‌ای در مطالعات جغرافیای تاریخی ایران

در بسیاری از پژوهش‌های جغرافیای تاریخی ایران، روش‌های تحقیق عمدتاً بر داده‌های توصیفی و منابع مکتوب سنتی استوار بوده‌اند و کمتر از فناوری‌های نوین مانند سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، سنجش‌ازدور و داده‌های باستان‌شناسی بهره گرفته شده است. مطالعاتی مانند پژوهش فرخ‌نیا (1395) درباره مکان‌یابی محوطه‌های باستانی در دشت بسطام شاهرود نشان می‌دهد که استفاده از GIS در مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی هنوز به صورت محدود و غیرسیستماتیک انجام می‌شود.

یکی از موانع مهم در توسعه این حوزه، کمبود متخصصان میان‌رشته‌ای و فقدان آموزش‌های تخصصی در تلفیق داده‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی است. پژوهش کریمی و باباجمالی (1395) درباره محوطه‌های هخامنشی مرودشت نیز بر همین نکته تأکید دارد که بهره‌گیری از GIS و سنجش‌ازدور نیازمند دانش ترکیبی و رویکردهای تحلیلی پیچیده است.

از دیگر چالش‌های اساسی، محدودیت دسترسی به منابع دست‌اول مانند نقشه‌های تاریخی دقیق، اسناد معتبر و داده‌های باستان‌شناسی قابل استناد است. در بسیاری موارد، پژوهش‌ها بر منابع ثانویه و غیرمستقیم اتکا دارند که این امر می‌تواند بر اعتبار و دقت نتایج تأثیر منفی بگذارد. مقاله احمدوند (1390) نیز به ضعف زیرساخت‌های پژوهشی و آموزشی در حوزه جغرافیای تاریخی ایران اشاره کرده و نیاز به بازتعریف روش‌شناسی این رشته را مطرح کرده است.

چالش‌های ساختاری و نهادی

نبود زیرساخت‌های پژوهشی منسجم و فقدان حمایت‌های سازمانی و مالی کافی یکی دیگر از مشکلات پیش روی توسعه جغرافیای تاریخی در ایران است. گسست میان نهادهای آموزش

عالی، مؤسسات پژوهشی و سازمان‌های مرتبط با میراث فرهنگی و محیط زیست، موجب شده بهره‌برداری از داده‌ها و تجارب میان‌رشته‌ای محدود و ناکارآمد باشد.

فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه

با وجود این چالش‌ها، ایران دارای ظرفیت‌های فراوانی برای پیشبرد دانش جغرافیای تاریخی است. غنای منابع تاریخی و باستان‌شناسی، وجود سایت‌های متعدد فرهنگی-تاریخی و تنوع بسیار بالای زیست‌محیطی و اقلیمی، بستر مناسبی برای پژوهش‌های دقیق و مفصل فراهم می‌آورد. به علاوه، توسعه فناوری‌های مدرن مانند GIS، سنجش‌ازدور، مدل‌سازی فضایی و داده‌پردازی توانسته است دقت بازسازی‌ها و تحلیل‌ها را به طور چشمگیری افزایش دهد. این فناوری‌ها، فرصتی منحصربه‌فرد برای تلفیق داده‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی فراهم آورده و امکان تحلیل‌های چندلایه‌ای و دینامیک را فراهم می‌سازند.

توجه روزافزون به رویکردهای نوین نظری همچون جغرافیای تاریخی انتقادی، الگوهای پسالاستعماری و مطالعات عدالت‌محور، زمینه را برای تحلیل‌های چندوجهی و فراگیر باز کرده است که می‌تواند نقش گروه‌های به حاشیه رانده شده را در تاریخ و جغرافیای ایران موردبررسی قرار دهد. در نهایت، ایجاد همکاری‌های میان رشته‌ای گسترده‌تر، تقویت آموزش‌های تخصصی و حمایت‌های مالی-سازمانی می‌تواند به شکوفایی این حوزه منجر شود و خلأهای علمی و عملی موجود را پر کند.

نقد روش‌شناسی آثار جغرافیای تاریخی در ایران

بررسی آثار منتشرشده با عنوان جغرافیای تاریخی در ایران نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها فاقد انسجام روش‌شناختی و دقت علمی لازم هستند. جهانگیر قائم‌مقامی در مقاله مهم خود «بحثی درباره مفهوم جغرافیای تاریخی» به آسیب‌شناسی این آثار پرداخته و ضعف‌های عمده‌ای را مطرح کرده است، از جمله:

- عدم تفکیک میان جغرافیای تاریخی و جغرافیای معاصر که منجر به توصیف وضعیت فعلی به جای بازسازی دقیق شرایط گذشته شده است.
 - غلبه رویکرد توصیفی و فهرست‌نویسی بر تحلیل‌های علی و تبیین رابطه انسان و محیط در بستر تاریخی.
 - تمرکز بیش از حد بر جغرافیای کنونی و غفلت از بازسازی تاریخی که موجب کاهش عمق تحلیلی آثار شده است. (Ghaemmaghani, 1351, p.23)
- قائم‌مقامی در نقد خود به نمونه‌هایی از این ضعف‌ها اشاره می‌کند، از جمله:
- در مطالعات مربوط به لرستان، تفاوت میان جغرافیای امروز و گذشته نادیده گرفته شده و تحلیل تاریخی دچار اختلال شده است.

- در آثار مربوط به غرب ایران، بخش‌های مفصل درباره جغرافیای معاصر ارائه شده، اما بخش تاریخی تنها به ذکر آثار محدود شده است.
- در مطالعات مناطق گیلان، مازندران و آذربایجان، تمرکز بر توصیف وضعیت کنونی و سفرنامه‌های تاریخی بوده و بازسازی دقیق جغرافیای تاریخی مغفول مانده است. (Ghaemmaghami, 1351, p. 24)

این نقدها نشان می‌دهند که برای ارتقای کیفیت پژوهش‌های جغرافیای تاریخی، توجه به روش‌شناسی علمی، تفکیک دقیق مفاهیم و بهره‌گیری از داده‌های چندمنبعی ضروری است.

ضرورت تفکیک جغرافیای امروز از جغرافیای تاریخی

یکی از اصول اساسی در جغرافیای تاریخی، ضرورت جداسازی دقیق جغرافیای امروز از جغرافیای گذشته است. جغرافیای کنونی یک منطقه به‌عنوان حاصل هزاران سال دگرگونی، قابل تسری به گذشته به همان شکل نیست. برای ارائه تحلیلی علمی و تاریخ‌مند، بازسازی شرایط خاص تاریخی با پرهیز از «زمان‌پریشی» امری حیاتی است. این امر تضمین‌کننده تحلیل‌های دقیق و معتبر خواهد بود (Guldi & Armitage, 2014, p. 102).

نقش باستان‌شناسی و منابع دست‌اول

برای ارتقاء کیفیت بازسازی‌های تاریخی، بهره‌گیری از داده‌های باستان‌شناسی، متون تاریخی، نقشه‌های قدیمی و اسناد رسمی ضروری است. پژوهش‌هایی مانند مطالعه فرخ‌نیا (1395) درباره دشت بسطام شاهرود نشان می‌دهد که داده‌های باستان‌شناسی و GIS می‌توانند اطلاعات دقیقی درباره سکونتگاه‌ها، اقلیم گذشته و تحولات محیطی ارائه دهند.

فرصت‌ها برای توسعه

ایران با برخورداری از منابع تاریخی غنی، سایت‌های باستانی متعدد و ظرفیت بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند GIS و سنجش‌ازدور، فرصت کم‌نظیری برای توسعه دانش جغرافیای تاریخی دارد. توجه به هویت فرهنگی و مکانی معاصر نیز می‌تواند به غنای پژوهش‌ها کمک کند.

چالش‌های پیش روی جغرافیای تاریخی (مباحث عمومی)

جغرافیای تاریخی با چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، کاهش تنوع زیستی و کمبود منابع طبیعی مواجه است. مطالعاتی مانند پژوهش کریمی و باباجمالی (1395) درباره محوطه‌های هخامنشی مرودشت نشان می‌دهد که تحلیل نوسانات اقلیمی و الگوهای مصرف منابع در گذشته می‌تواند به تدوین راهبردهای پایداری در عصر حاضر کمک کند.

تغییرات آب و هوایی و پیامدهای آن

مطالعه نوسانات اقلیمی در طول تاریخ، دوره‌های گرمایش و سرمایش جهانی و تأثیر این تحولات بر کشاورزی، سکونتگاه‌ها و الگوهای مهاجرت، موضوعی حیاتی است. همچنین بررسی پیامدهای زیست‌محیطی تغییر اقلیم مانند خشک‌سالی‌ها، سیلاب‌ها و روند بیابان‌زایی به ما کمک می‌کند تا از راهبردهای سازگاری جوامع گذشته بهره‌مند شویم.

کاهش تنوع زیستی و انقراض گونه‌ها

تحقیقات جغرافیایی تاریخی، داده‌های مهمی درباره انقراض گونه‌ها و تخریب زیستگاه‌ها ارائه می‌دهد که به مطالعات حفاظت تنوع زیستی و تدوین برنامه‌های اثرگذار برای حفظ گونه‌ها کمک می‌کند.

کمبود منابع طبیعی

مطالعه تاریخچه کمبود منابعی چون آب، فرسایش خاک، استخراج مواد معدنی و الگوهای مصرف پایدار یا بازیافت در جوامع باستانی به فهم بهتر الگوهای پایداری در طول زمان می‌انجامد و به آگاهی بخشی در مورد چالش‌های کنونی زیست‌محیطی کمک می‌کند.

چالش‌های روش‌شناختی و دسترسی به داده‌ها

از چالش‌های مهم این رشته می‌توان به محدودیت منابع اطلاعاتی به‌ویژه برای دوره‌های پیش‌ازتاریخ، عدم دقت در ارجاعات و تاریخ‌گذاری‌ها، دشواری تلفیق داده‌های کیفی و کمی و چندگانگی تفسیر منابع تاریخی اشاره کرد. همچنین، کمبود تخصص میان‌رشته‌ای و ضعف تلفیق مطالعات جغرافیا، تاریخ و باستان‌شناسی، از موانع کلیدی توسعه این علم است. این چالش‌ها اهمیت رویکرد علمی، روشمندی دقیق و تقویت تخصص میان‌رشته‌ای را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری و بحث

این پژوهش کوشید تا با رویکردی تحلیلی-توصیفی، سیمای رشته جغرافیای تاریخی را در بستر ایران‌شناسی ترسیم و به پرسش اصلی خود که «مفهوم، ماهیت، جایگاه، رویکردها، روش‌ها و کاربردهای جغرافیای تاریخی چیست؟» پاسخ دهد. یافته‌های این تحقیق مؤید آن است که جغرافیای تاریخی، دانشی میان‌رشته‌ای است که با تلفیق روش‌شناسی علوم جغرافیا و تاریخ، به مطالعه و بازسازی پویایی‌های فضایی-زمانی سامانه‌های انسان‌محیطی در گذشته می‌پردازد. بر پایه این تعریف بنیادین، دستاوردهای کلیدی این پژوهش را می‌توان در محورهای زیر خلاصه نمود که پاسخی روشن به اجزای مختلف سؤال اصلی پژوهش است:

۱. تبیین مفهوم و ماهیت: این پژوهش نشان داد که ماهیت جغرافیای تاریخی، پویا و تحلیلی است و نه ایستا و توصیفی. هدف غایی این رشته، فراسوی توصیف ایستای مکان‌ها و وقایع

گذشته، واکاوی فرآیندهای علی و پیامدی حاکم بر تعامل دیالکتیکی انسان و محیط است. این نگاه، امکان درک چرایی شکل‌گیری الگوهای سکونتگاهی، شبکه‌های ارتباطی و مناظر فرهنگی را فراهم می‌سازد.

۲. جغرافیای تاریخی به‌عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای، در مرز مشترک میان دانش جغرافیا و تاریخ قرار دارد. این موقعیت علمی منحصر به فرد، امکان تحلیل پدیده‌های تاریخی در بستر فضایی را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، به فهم جغرافیای گذشته از طریق داده‌های تاریخی کمک می‌کند. چنین تلفیقی، ظرفیت‌های پژوهشی گسترده‌ای را پیش‌روی محققان قرار می‌دهد؛ اما در عین حال، مستلزم رعایت اصول روش‌شناختی دقیق است. از جمله مهم‌ترین الزامات در مطالعات جغرافیای تاریخی، تفکیک روشن میان «جغرافیای معاصر» و «جغرافیای تاریخی» است. جغرافیای امروز حاصل تحولات چند هزار ساله است و نمی‌توان آن را به‌صورت مستقیم به گذشته تعمیم داد. در این زمینه، پرهیز از «زمان‌پریشی»^۱ به‌عنوان یکی از خطاهای رایج در تحلیل‌های تاریخی، پیش‌شرط اعتبار علمی پژوهش‌ها به‌شمار می‌آید. براین اساس تحلیل‌های تاریخی باید در چارچوب زمانی خاص خود صورت گیرد تا از تحریف مفهومی و استنتاج‌های نادرست جلوگیری شود؛ بنابراین، جایگاه میان‌رشته‌ای جغرافیای تاریخی نه‌تنها فرصت‌های نوینی برای پژوهش فراهم می‌آورد، بلکه نیازمند دقت نظری، روش‌شناسی منسجم و آگاهی از پیچیدگی‌های زمانی و مکانی در مطالعات تاریخی است.

۳. واکاوی رویکردها و روش‌ها: این مطالعه ثابت کرد که رویکردهای این رشته از جبرگرایی محیطی تا امکان‌گرایی، منظر فرهنگی و رویکردهای نوین انتقادی و پسااستعماری تکامل یافته است. دستیابی به بازسازی‌های دقیق، مستلزم بهره‌گیری از یک چهارچوب روش‌شناسی تلفیقی است که در آن داده‌های تاریخی، یافته‌های باستان‌شناسی، مطالعات میدانی و قابلیت‌های تحلیلی فناوری‌های نوینی مانند GIS در هم می‌آمیزند.

۴. شناسایی کاربردهای راهبردی: یافته‌ها مؤید این امر بود که این رشته پلی استوار بین گذشته و آینده می‌سازد. کاربردهای آن—از درک عمیق‌تر تاریخ و مدیریت پایدار منابع گرفته تا برنامه‌ریزی شهری آینده‌نگر و حفظ میراث فرهنگی—نشان می‌دهد که جغرافیای تاریخی نه دانشی صرفاً گذشته‌نگر، بلکه منبعی ارزشمند برای آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی راهبردی است.

۵. تحلیل ظرفیت‌ها و چالش‌ها در ایران‌شناسی: در نهایت، این پژوهش به این نتیجه رسید که اگرچه ایران با پیشینه تاریخی غنی و تنوع چشمگیر محیطی-فرهنگی، بستری کم‌نظیر برای

مطالعات جغرافیای تاریخی فراهم می‌آورد، ولی چالش‌های ساختاری (نظری، روش‌شناختی، داده‌ای و نهادی) مانع شکوفایی کامل این پتانسیل شده است.

در مجموع، می‌توان دریافت که جغرافیای تاریخی پنجره‌ای به سوی درک فضا محور از تاریخ و تاریخ‌مند از فضا می‌گشاید. این دانش با تبیین الگوها و فرآیندهای شکل‌دهنده سامانه انسان محیط در طول زمان، نه تنها روایت‌های تاریخی را غنا می‌بخشد، بلکه بینش‌های عمیقی برای مدیریت پایدار سرزمین و مواجهه هوشمندانه با چالش‌های پیچیده محیطی و فرهنگی حال و آینده ارائه می‌دهد. تحقق این رسالت در گرو عبور از توصیف‌گرایی صرف، گذار به سمت تحلیل‌های علی-ساختاری و به‌کارگیری خلاقانه رویکردها و روش‌های نوین پژوهشی است؛ بنابراین، این پژوهش به سؤال اصلی خود پاسخ داده و نشان می‌دهد که جغرافیای تاریخی، رشته‌ای ضروری برای درک جامع گذشته و برنامه‌ریزی هوشمندانه برای آینده ایران است.

علیرغم کوشش برای ارائه تحلیلی جامع و منسجم، این پژوهش با محدودیت‌هایی روبرو بوده که لازم است جهت درک صحیح دامنه و تعمیم‌پذیری یافته‌ها به آنها اشاره شود:

۱. محدودیت روش‌شناختی: این مطالعه مبتنی بر روش تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی بوده است؛ بنابراین، یافته‌ها متکی بر تحلیل متون و آثار منتشرشده قبلی است و فقدان داده‌های اولیه و مطالعات میدانی که بتواند به صورت عینی به آزمون فرضیه‌ها یا ارائه شواهد جدید بپردازد، به عنوان یک محدودیت اصلی محسوب می‌شود.

۲. محدودیت منابع دست‌اول: اگرچه سعی شد از معتبرترین منابع استفاده گردد، اما دسترسی محدود به برخی اسناد تاریخی دست‌اول، آرشیوهای تخصصی و گزارش‌های کامل باستان‌شناسی که اغلب در دسترس عموم قرار ندارند، می‌تواند بر عمق برخی تحلیل‌ها تأثیر گذاشته باشد.

۳. تمرکز بر چارچوب نظری: این پژوهش بیشتر بر ابعاد مفهومی، نظری و روش‌شناختی جغرافیای تاریخی متمرکز بود و تأکید کمتری بر ارائه مطالعات موردی عینی و تفصیلی از تمامی مناطق ایران داشت؛ بنابراین، اگرچه چارچوبی جامع ارائه می‌دهد، اما تعمیم نتایج به همه بافت‌های محلی و منطقه‌ای ایران نیازمند مطالعات جزئی‌نگرتر است.

۴. محدودیت در پوشش همه رویکردها: باوجود تلاش برای بررسی مهم‌ترین مکاتب فکری، وسعت و تنوع رویکردهای نوین در جغرافیای تاریخی (مانند جغرافیای تاریخی فمینیستی یا کوانتومی) به قدری است که پرداختن به همه آنها در حجم یک مقاله ممکن نبود و لزوماً بر جریان‌های اصلی و تاثیرگذارتر تمرکز شده است.

۵. وابستگی به کیفیت منابع ثانویه: از آنجا که این پژوهش یک مطالعه مروری-تحلیلی است، اعتبار و دقت آن تا حد زیادی وابسته به کیفیت، دقت و بی‌طرفی منابع و پژوهش‌های مورد استفاده قرار گرفته است. هرگونه ضعف روش‌شناختی در منابع مذکور می‌تواند به طور غیرمستقیم بر یافته‌های این تحقیق نیز سایه افکند.

اعتراف به این محدودیت‌ها نه تنها از ارزش کار نمی‌کاهد، بلکه نشان‌دهنده رویکردی علمی است و مسیر را برای پژوهش‌های آینده روشن می‌سازد. در ادامه پیشنهادهای پژوهشی ارائه می‌گردد.

۱. تدوین جغرافیای تاریخی مناطق مختلف ایران با رویکردی علمی نوین و تلفیقی، با استفاده از تمامی روش‌ها و منابع معتبر.

۲. انجام تحلیل تطبیقی میان رویکردهای مختلف جغرافیای تاریخی ایران و جهان برای به‌روزرسانی چارچوب‌های نظری و عملی.

۳. بررسی تأثیر فناوری‌های نوین مانند GIS و سنجش‌ازدور بر پیشرفت پژوهش‌های تاریخی-جغرافیایی در ایران.

۴. تحلیل نقش عوامل اقلیمی و زیست‌محیطی در تحول جغرافیایی و تاریخی ایران با تمرکز بر داده‌های روزآمد.

۵. مطالعات جغرافیای تاریخی با تأکید بر اقلیت‌ها و گروه‌های به حاشیه رانده‌شده برای خوانش چندوجهی و عدالت‌محور تاریخ.

۶. توسعه مدل‌های آموزشی مناسب برای تدریس جغرافیای تاریخی در سطوح مختلف تحصیلی.

این پیشنهادها می‌تواند به غنای دانش این حوزه و ارائه راهکارهای مؤثر برای چالش‌های حال و آینده کمک شایان نماید.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS
©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Reference

- Abdi, Kamyar. (2003). The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains. *Journal of World Prehistory*, 17(4), 395–448. DOI:10.1023/B:JOWO.0000020195.39133.4c
- Ahmadi, Saedeh; & Aryamanesh, Mohammad. (2012/1391). *Rahnamay-e Surfer 10*. Tehran: Sazman-e Joghrafiya-ye Niruha-ye Mosallah. ISBN: 9789642110872 [in persian]
- Ahmadvand, Abbas. (2011/1390). Ta'amoli dar Amoozesh va Pajuhesh-e Joghrafiya-ye Tarikhi dar Iran. *Tarikh-e Eslam*, 18(40). https://hiq.bou.ac.ir/article_5665.html [in persian]
- Alijani, Bohloul. (2015/1394). Tahlil-e Fazai dar Motale'at-e Joghrafiyayi. *Saman-e Nashriyat-e Elmi*, 2(3), 1–14. <http://jsaeh.khu.ac.ir/article-1-2489-fa.html> [in persian]
- Alimoradi, Ali; Ahmadi, Hassan; & Ghobadian, Vahid. (2019/1398). Tahlil-e Amoozehaye Shahrsazi dar Shekl-giri-ye Kalbod-e Shahr (Motale'e-ye Moredi: Dore-ye Safaviye, Shahr-e Esfahan). *Nashriye-ye Motale'at-e Shahrsazi*, 3(1), 33-53. DOI: 10.22124/upk.2019.13346.1204 [in persian]
- Alizadeh Moghaddam, Badr al-Sadat; & Shokrian, Ehteram. (2017/1396). Joghrafiya-ye Tarikhi-ye Bandar-e Rishahr az Ahd-e Bastan ta Soghut-e Selsele-ye Sasani. *Tahghihat-e Joghrafiyayi*, 127(32), 175–187. <http://georesearch.ir/article-1-374-fa.html> [in persian]
- Asadi, Lahoon; Soltanzadeh, Hossein; & Davoudpour, Zahra. (2021/1400). Tab'in-e Degargardi-ye Sakhtar-e Fazai-ye Shahr-e Esfahan dar Ertebat ba Degargoni-ye Ghodrat az Safaviye ta Konun. *Joghrafiya va Amayesh-e Shahri - Mantaghe-i*, 11(41), 307-338. DOI: 10.22111/gaj.2021.6694 [in persian]
- Attarian, Kouros; & Biranvand, Mostafa. (2018/1397). Makan-yabi va Tab'in-e Sakhtar-e Kalbodi-ye Shahr-e Bastani-ye Shapur Khvast bar Mabna-ye Algoo-ye Shahrhaye Sasani ba Estefade az GIS. *Pajuheshhaye Bastanshenasi-ye Iran*, 8(19), 147–166. DOI: 10.22084/nbsh.2019.15370.1703 [in persian]
- Bagheri, Ashraf al-Sadat. (2018/1397). Joghrafiya-ye Tarikhi dar Jostojuy-e Ma'ni va Mafhum. *Roshd-e Amoozesh-e Joghrafiya*, 122(33), 18–23. <https://www.roshdmag.ir/fa/magazine2/showissue/1614> [in persian]
- Baker, Alan R. H. (2003). *Geography and History: Bridging the Divide*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Braudel, Fernand. (1958). *La mediterranee et le monde méditerranéen a l'epoque de philippe II*. Paris: Armand Colin.
- Buringh, Eltjo. (2021). The Population of European Cities from 700 to 2000. *ResearchGate*, 6(1), 1–18. <https://doi.org/10.1163/24523666-06010003>
- Darby, H. C. (1953). On the Relations of Geography and

- History. *Transactions and Papers (Institute of British Geographers)*, (19), 1–11. <https://doi.org/10.2307/621223>
- Eisalou, Shahab al-Din; Latifi, Gholamreza; & Goodarzi, Vahid. (2017). Arzyabi-ye Asibpaziri-ye Kalbodi-ye Baft-e Mantaqe-ye Yek-e Shahr-e Tehran dar Barabar-e Zelzele-ye Ehtemali ba Estefade az Ravesh. *Faslname-ye Elmi-Pajuheshi-ye Ettela'at-e Joghrafiyayi 'Sepehr'*, 25(100), 73–87. DOI: 10.22131/sepehr.2017.24807 [in persian]
- Farrokhi Nia, Shahram. (2016/1395). Tahlil va Tahlil-e Makani va Algoo-ye Makan-yabi-ye Mahutehaye Bastani ba Estefade az Samane-ye Ettela'at-e Joghrafiyayi GIS; Motale'e-ye Moredi: Dasht-e Bastam-e Shahroud. *Nashriye-ye Pajuheshhaye Bastanshenasi-ye Iran*, 8(1), 151–170. <https://doi.org/10.22059/jarcs.2016.59500> [in persian]
- Ghaemmaghami, Jahangir. (1972/1351). Bahsi Darbare-ye Mafhum-e Joghrafia-ye Tarikhi. *Barrasihaye Tarikhi*, 40(7), 11–22. <https://ensani.ir/fa/article/8400/> [in persian]
- Guldi, Jo; & Armitage, David. (2014). *The History Manifesto*. England: Cambridge University Press.
- Haggett, Peter. (2001). *Geography: A Global Synthesis*. Harlow, England; New York: Pearson College Div.
- Hosseini Yazdi, Maryam; & Fayyaz, Ebrahim. (2024/1403). Motale'e-ye Naghshe-gari-ye Farhangi dar Farayand-e Tose'e va Barnameh-rizi-ye Farhangi. *Faslname-ye Elmi-ye Motale'at-e Rahbordi-ye Farhang*, 4(2), 117–146. DOI: 10.22083/scsj.2024.447105.1152 [in persian]
- Karimi, Ehsan; Babajamali, Farhad; & Javanroui, Farhad. (2016/1395). Barrasi va Tahlil-e Madaniyathaye Bastani ba Estefade az Karbord-e GIS-RS (Motale'e-ye Moredi: Mahutehaye Hakhamaneshi-ye Marvdasht). *Joghrafia-ye Ejtemai-ye Shahri*, 3(2), 75–92. DOI: 10.22103/juas.2016.1841 [in persian]
- Khakpour, Baratali; & Kamandari, Mohsen. (2016/1395). Makan-yabi-ye Zonehaye Monaseb be Manzur-e Eijad-e Masir-e Piyade-ye Gardeshgari dar Baft-e Tarikhi-ye Shahr-e Kerman ba Estefade az GIS. *Joghrafia-ye Ejtemai-ye Shahri*, 3(1), 63–83. DOI: 10.22103/juas.2016.1850 [in persian]
- Khoshab, Farzad; & Aghazadeh, Jafar. (2023/1402). Joghrafia-ye Tarikhi-ye Bandarha va Kenarehaye Irani-ye Khalij-e Fars ba Takiye bar Manafe'-e Joghrafiyayi-ye Mosalmanan. *Joghrafia va Ravabet-e Ensani*, 22(6), 529–538. DOI: 10.22034/gahr.2023.414061.1933 [in persian]
- Livingstone, David. (1993). *The Geographical Tradition: Episodes in the History of a Contested Enterprise*. Oxford, UK; Cambridge, USA: Wiley-Blackwell.
- Mirmiran, Mojtaba; & Kohansal, Hassan. (2006/1385). Moruri bar Joghrafia-ye Tarikhi-ye Gilan - Qarn-e Nuzdahom va Avayel-e Qarn-e

- Bistom. *Joghrafiya va Tose'e-ye Mantaqhe-i*, 6(4), 197–212. <https://ensani.ir/fa/article/23580> [in persian]
- Mohammadifar, Yaqub. (2005/1384). *Joghrafiya-ye Tarikhi-ye Mantaqeh-ye Zagros-e Markazi dar Doran-e Pish az Eslam. Payam-e Bastanshenas*, 2(4), 81–92. <https://ensani.ir/fa/article/60105> [in persian]
- Mohanty, Chandra Talpade. (2006). *Feminism without Borders: Decolonizing Theory, Practicing Solidarity*. Durham, NC: Duke University Press.
- Ratzel, Friedrich. (1891). *Anthropo-geographie*. Germany: Generic.
- Razavi Khorasani, Seyyed Hossein. (2015/1394). *Roykard-e Pajuheshgaran-e Irani va Gharbi dar Mabani-ye Nazari-ye Joghrafiya-ye Tarikhi. Roshd-e Amoozesh-e Joghrafiya*, 110(29), 3–9. <http://noo.rs/pkWMO> [in persian]
- Sauer, Carl O. (1925). The Morphology of Landscape. *University of California Publications in Geography*, 2(2), 19–54.
- Semple, Ellen Churchill. (1911). *Influences of Geographic Environment*. New York: Henry Holt.
- Vidal de La Blache, Paul. (2015). *Principes de géographie humaine: Publiés d'après les manuscrits de l'auteur par Emmanuel de Martonne*. Lyon: ENS Éditions.
- White, Gilbert F. (1945). *Human Adjustment to Floods*. USA: University of Chicago, Department of Geography.